

نظم با نظم بی نظمی؟

بچه‌ها در مدل فضای درسی جدید، بی نظم ترند!

معلمان خلاق تمایل دارند که کلاس‌شان را مطابق با «هوش‌های چندگانه» اداره کنند. آن‌ها باید منتظر رفتارهایی از دانش‌آموزان باشند که قبلاً آن را بی‌نظمی تلقی می‌کردند

نظم و انضباط از دیدگاه آموزش‌گران تعاریف متعددی دارد. عده‌ای کنترل رفتار فراگیرندگان و تسلط بر عوامل رفتاری آنان را انضباط می‌نامند. برخی دیگر معتقدند نظم و انضباط شامل هر نوع سازمان‌دهی در محیط کلاس است، به نحوی که سبب افزایش یادگیری شود. با وجود این، بی‌نظمی یا بی‌انضباطی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: انجام دادن هر عمل یا بروز رفتاری از دانش‌آموزان که سازمان‌دهی مدرسه و فعالیت‌های کلاس را مختل یا تهدید به‌اخلال می‌کند. شما به عنوان یک معلم در زمان‌های تدریس مایلید این اصول رعایت شود؛ مثلاً:

- * وقتی دارید حضور و غیاب می‌کنید، دانش‌آموزان ساکت و منظم به صحبت‌های شما گوش دهند.
- * وقتی شاگردان در گروه‌های کوچک با هم کار می‌کنند، دوست دارید هیچ‌گونه مهمه‌ای در کلاس درس نباشد.
- * وقتی همه کلاس در مورد موضوعی واحد بحث می‌کنند، دوست دارید این کار آرام و بدون تنش انجام شود.

- * زمانی که همه شاگردان امتحان می‌دهند، سرشان خیلی منظم توی ورقه‌شان باشد و هیچ‌کس نظم را بر هم نزند.
- * وقتی شاگردی کنفرانس می‌دهد، دوست دارید بقیه دانش‌آموزان تمام و کمال به حرف‌هایش گوش دهند.

اکثر قریب به اتفاق معلمان، زمانی که مطالب شماره‌های پیشین را مطالعه می‌کنند و یا با مدل‌ها و فضاهای جدید آموزشی آشنا می‌شوند، اذعان می‌دارند که این مدل‌ها و فضاها و معماری جدید باعث بی‌انضباطی دانش‌آموزان و هرج و مرج در کلاس درس و در نهایت اتلاف وقت آنان می‌شود. این یکی از علل عدم تمایل آنان برای تغییر کلاس درس و تبدیل و تغییر فضاهای درسی به مدل‌های جدید و مشارکت و تحرک بیشتر دانش‌آموزان به صورت فیزیکی است. در حقیقت این معلمان و مدیران تمایلی به همکاری با معماران و سازندگان فضاهای جدید آموزشی ندارند و این جاست که باید بپرسیم چرا؟

نظم چیست؟

ابتدا باید بررسی کنیم که نظم و یا بی‌نظمی در کلاس درس از دیدگاه این معلمان چیست؟ و یا وقتی می‌گوییم کلاس درسشان یک کلاس درس «منظم» است یعنی چه؟ و این که آن‌ها احساس بهتری از یک کلاس درس منظم دارند، به چه معناست؟





کلاس در نظم قدیم دانش آموزان را مجبور به نشستن در الگوی قدیمی با اسلوب و روش قدیمی می‌سازد، و این را نظم در کلاس تعریف می‌کند.



دانش آموزان در آرایش جدید تعریف دیگری از نظم در فضاهای آموزشی را ارائه می‌دهند.

مطابق با «هوش‌های چندگانه» اداره کنند. آن‌ها باید منتظر رفتارهایی از دانش آموزان باشند که قبلاً آن را بی‌نظمی تلقی می‌کردند. نظام آموزشی اکنون به این درک رسیده است که دانش آموزی با هوش حرکتی و یا بصری و یا کلامی را به نحوی بهتر در یک فضا اداره می‌کند. نظم جدید در فضاهای آموزشی دیگر مانند نظم قدیم نیست که ردیفی و ستونی باشد، ساکت و بی‌سر و صدا باشد، اتو کشیده و براق باشد. نظم جدید، گروهی و دسته دسته است. گروه گروه است. دانش آموزان را تک به تک می‌بیند، بی‌آن که تعارضی یا تبعیضی بین آن‌ها دیده شود. نظم جدید نیمکت اول و نیمکت آخر در کلاس درس را ندارد. نظم جدید یک کل است که شما آن را هدایت می‌کنید و نه نظارت. در نظم جدید دانش آموزان مهره‌های یکسان نیستند بلکه انسان‌های بسیار متفاوتی هستند که در فضایی نه به شکل یک کلاس بلکه فضایی چند منظوره گرد هم آمده‌اند؛ آن‌ها شخصاً اعمال و رفتار خود را تحت نظم و قاعده درمی‌آورند و قادرند خویششان را کنترل و هدایت کنند و با توجه به آثار و نتایج اعمال خویش اقدام نمایند. و این یعنی تلفیق واقعی معماری و آموزش.

* زمانی که شاگردان وارد کلاس و یا از آن خارج می‌شوند، هیچ‌کس عمل غیرقابل قبولی انجام ندهد و همه به صورت منظم به طرف نیمکت‌هایشان حرکت کنند.

* زمانی که شاگردان فعالیتی را تمام می‌کنند و به سراغ فعالیتی دیگر می‌روند، این کار در نهایت آرامش و سکوت انجام پذیرد.

* وقتی شاگردان کارهای فردی خود را انجام می‌دهند، تمام حواسشان به عمل مورد نظر باشد.

* وقتی شاگردان رفع اشکال می‌کنند، همه‌امای در کلاس درس ایجاد نشود.

* زمانی که در جلو کلاس، دارید درسی را مستقیماً ارائه می‌کنید، تمام حواس دانش آموزان به شما باشد.

نظم جدید

حقیقت این است که این تعریف از انضباط ما را به سوی دنیای جدید رهنمون نمی‌سازد. دانش آموزان ما تبدیل به افرادی می‌شوند که گویی شما معلمان آن‌ها را برای دوران مدرنیته صنعت آماده می‌کنید. باید گفت دوران این‌گونه تعریف از نظم در دانش آموزان به اتمام رسیده و این رفتارها عملکرد و یا پاسخ خوبی نداشته است. امروزه روش‌های جدید آموزشی که مدام بر حضور جدی دانش آموزان در کلاس درس تأکید می‌کنند و آن را عامل اساسی برای یادگیری می‌دانند، با تعریف نظم در بالا مغایرت داشته و نمی‌توان این دو را با هم ادغام کرد؛ مگر این‌که تعریف دوباره‌ای از نظم داشته باشیم. نظم در حقیقت یکسان رفتار کردن دانش آموزان در یک مقطع زمانی خاص نیست. کلاس قبلی نیمکت‌های بسیار شبیه به هم با ردیف‌ها و ستون‌های یکسان داشت و به دانش آموزان به مثابه مهره‌های منظمی نگاه می‌شد که فقط باید از راه معلم محوری مطالب را بیاموزند. وقتی شما معلمان روش تدریس کنفرانسی را روش کاملی برای تدریس نمی‌دانید، از طرفی ما معماران کلاس‌های فعلی را مدلی فرسوده و غیرقابل دفاع قلمداد می‌کنیم، چه‌طور ممکن است همان تعاریف قبلی نظم را در تعریف جدید فضای آموزشی با روش‌های جدید آموزشی پیاده کرد؟ وقتی میلمان کلاس درس تغییر می‌کند، دیوارها برداشته می‌شوند، در برخی جاها شما مدل کنفرانسی دارید، یا در برخی مکان‌ها مدل گروهی دارید، بالطبع باید منتظر نوعی از نظم باشید که شاید در تعاریف قدیمی نامش «بی‌نظمی نسبی» باشد. ولی واقعاً این‌گونه نیست. معلمان خلاق تمایل دارند که کلاس‌شان را

